

## تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1392/12/17



موضوع: نجاسات معفو در لباس و بدن نمازگزار  
فصل جدید- نجاسات معفو در لباس و بدن نمازگزار  
«فصل فیما یعفی عنه فی الصلاه و هو امور: الاول دم الجروح و القروح ما لم تبرأ فی الثوب أو البدن قليلا. أو كثيرا أمکن الازاله او التبديل بلا مشقه أم لا. نعم یعتبر أن یكون مما فیه مشقه نوعیه». سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه در این فصل در ادامه بحث از احکام نجاسات، مواردی را که از نجاسات در صلاه مورد عفو است، ذکر می کند.

مورد اول - خون قروح و جروح  
می فرماید: نجاست هایی که در صلاه عفو شده است و تاثیرگذار نیست، چند مورد است که مورد اول دم جروح و قروح است. خونی که از زخم و دمل ها و دانه هایی که به طور مستمر بیرون می آید. خون قروح و جروح مورد عفو است تا وقتی که خوب نشده باشد، چه در ثوب باشد و چه در بدن، کم باشد یا زیاد، ازاله و تبدیل بدون مشقت ممکن باشد یا نباشد. بنابراین عفو اطلاق دارد. این متن است، اما مراجعه کنیم به اقوال فقهاء:

نظر صاحب جواهر  
صاحب جواهر<sup>[1]</sup> قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: اصل حکم «مما لا خلاف فیه بل الاجماع علیه محصلا و منقولا» که بحث مورد اجماع است. و بعد می فرماید: «و النصوص المستفیضه»، نصوص هم در این رابطه مستفیض است.

اجمالی در تحقق مشقت نوعی و شخصی  
سوال: در متن آمده «یعتبر ان یكون مما فیه مشقه نوعیه»،  
جواب: مشقت نوعی داشته باشد. اما اگر خیلی آسان باشد که نوعا ازاله آن چیزی نباشد،

آن جا عفو نیست که این را بحث می کنیم. مشقت، عسر، حرج، ضرر هیچ کدام موضوع حکم آن نوعی نیست طبق قاعده. اگر طبق قاعده عسر، ضرر، حرج نوعاً موضوع حکم باشد، مستلزم این می شود که مشقت کسی دیده و سود یا ضرر را کسی دیگر ببیند. شما مشقت نمی بینید و یک فرد دیگر مشقت می بیند، شما روزه تان را نگیرید. قاعده کلی در عناوین ثانویه این است که هیچ گاه نوعی موضوع حکم نیست و شخصاً می شود موضوع حکم. مثلاً یک فرد جوان است و روزه نمی تواند بگیرد و حرجی است، برای شخص او روزه نگرفتن حرام نیست.

سوال: در امور عبادی اینطور است ولی در مسائل معاملات تشخیص عرفی و افراد متعارف و غیر متعارف باید نوعی را در نظر گرفت.

جواب: آن جا که می گوییم نظر عرف برای تشخیص مشقت است نه تحقق مشقت. فرق است بین تشخیص مشقت که عرفی است و تحقق مشقت که شخصی است. موضوع حکم، تحقق شخصی مشقت است.

استناد صاحب جواهر به اجماع

بنابراین اصل مسئله مورد اجماع است. چرا صاحب جواهر می گوید هم محصل و هم منقول؟ برای این که اجماع در عصر صاحب جواهر به نام اجماع مدرکی و اجماع تعبیدی وجود نداشت و فقط اجماع محصل و منقول بود و اگر کسی اشکال بکند، وارد نیست. بعد از این ایشان می فرماید: اخبار در این رابطه در حد استفاضه است. بلکه بعید نیست که در حد تواتر باشد. فرق بین استفاضه و تواتر این است که استفاضه مفید اطمینان است و تواتر مفید علم است. فرق بین استفاضه و تواتر همان فرق بین علم و اطمینان است. اما تحقق آن نوعی است یا شخصی؟ خود هر مجتهد برای خودش بین و بین الله اطمینان حاصل شد، می شود استفاضه و علم حاصل شد، می شود تواتر. منتها معیارهایش را داشته باشد. یک فردی شکاک است، صد تا روایت هم از باب مبالغه در اختیارش باشد، یقین پیدا نمی کند. یا یک آدم خوش باوری است و با دو روایت صحیح اعلایی ببیند، یقین پیدا می کند. بنابراین از لحاظ روایت در حد مستفیضه است.

روایات در وسائل الشیعه

اما روایاتی که وارد شده است:

مصححه ابی بصیر

اولین روایت عبارت است از مصححه ابی بصیر که سید الاستاد این را موثق می گوید اما سید الحکیم مصححه می گوید.

فرق معتبره با مصححه

معتبره آن است که توثیق خاص ندارد ولی توثیق عام دارد. مصححه این است که یک راوی مشترک است بین عامی و امامی یا فطحی و امامی و بعد از تحقیق ثابت می شود که این

راوی مشترک، راوی امامی است. و مورد دوم آن این است که روایت حسنه است و مدح دارد و بعد هم از خارج عمل اصحاب بر آن اضافه می شود و مدح در حد توثیق می رسد که این می شود مصححه. این جا یک راوی مشترک بوده و بعد اطمینان حاصل شده است که امامی است که می شود مصححه. سند روایت: محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد که این دو تا از اجلاء هستند و شیخ شیخ کلینی است. عن معاویه بن حکیم که از توثیق برخوردار است. عن معلی بن عثمان که توثیق خاص دارد، عن ابی بصیر،

ترجمه معلی بن عثمان نزد آقای خویی و آقای حکیم (ره)

این معلی بن عثمان که احتمال غیر امامی بودن آن داده می شده، سیدنا می گوید سند موثق است اما سید حکیم می گوید مصححه است. در هر صورت سند معتبر است. «قال ابوبصیر دخلت علی ابی جعفر و هو یصلی فقال لی قأئدی ان فی ثوبه دما» کسی که همراه و راهنمای من بود، به من گفت آقا که نماز می خواند در لباس او قطرات خون دیده می شود. «فلما انصرف قلت له» پس از که آقا از نماز فارغ شد، سوال کردم از آقا «ان قأئدی اخبرنی ان بثوبک دما»، همراه من به من خبر داد که به لباس شما خون است و شما نماز می خوانید. «فقال لی ان بی دما میل و لست اغسل ثوبی حتی تبرأ» [2]. بر بدن من دمل هایی است و من ثوبم را تطهیر نمی کنم تا این که دمل ها خوب بشود. این روایت با سند درست و با دلالت واضح، دلالت دارد بر مطلوب و هیچ قید و شرطی هم در این روایت دیده نمی شود. مقید به سیلان یا مشقت نیست و اطلاق دارد.

صحیحه محمد بن مسلم

روایت دیگر صحیحه محمد بن مسلم عن احدهما علیهما السلام، عنه یعنی عن محمد بن یعقوب عن الحسین بن سعید اهوازی عن فضاله بن ایوب و صفوان بن یحیی عن العلاء بن رزین عن محمد بن مسلم که رجال از ثقات هستند. «قال سألته عن الرجل یخرج به القروح فلا تزال تدمی کیف یصلی فقال یصلی و ان کانت الدماء تسیل» [3]، سوال کرد از آقا که قروح و دمل هایی دارد که مستمرا خون بیرون می دهد، چگونه نماز بخواند؟ فرمود: هرچند خون جریان دارد، نمازش را بخواند و اشکالی نخواهد داشت.

صحیحه ابی بصیر

روایت سوم: عن احمد بن محمد عن ابیه، احمد بن محمد بن محمد بن عیسی است و عن ابیه هم محمد بن عیسی اشعری که از اجلاء و ثقات است. و محمد بن خالد برقی و العباس جمیعاً عن عبدالله بن مغیره عن عبد الله بن مسکان عن لیث المرادی که ابی بصیر است، که سند صحیحه است، «قال قلت لابی عبدالله علیه السلام الرجل تکون به الدما میل و القروح فجده و ثیابه مملوه دما و قیحا و ثیاباً بمنزله جده فقال یصلی فی ثیابه و لا یغسلها و لا شیء علیه» [4]، مضمون همان مضمون روایت های قبلی است که خون ریزی خیلی زیاد بوده و لباس مملو از خون و چرک بوده طوری که ثیاب او مثل پوست شده، آیا در آن ثوب و در آن

حالت نماز بخواند؟ فرمود: در همان ثوب نماز بخواند و نیاز به غسل و شستن ندارد و هیچ مسئولیتی به عهده آن شخص نیست و نمازش درست است. ما به ذکر همین سه روایت اکتفاء می کنیم. سه روایتی که از نظر سند معتبر است و دلالت در حد صریح است و اطلاق هم دارد، مطلب و مدعا به طور واضح به اثبات می رسد که دم قروح در ثوب و بدن در حال صلاه مورد عفو است و بدون هیچ شرطی نه شرط سیلان است و نه شرط مشقت. این روایات و اجماع هم از یک سو و استفاضه بودن این روایات از سوی دیگر مطلب در نهایت استحکام است. اما بحث این است که آیا در عفو سیلان و مشقت شرط است یا شرط نیست؟

سوال: در آن روایت که آمده عن اchiedma تسمیه این روایت چه خواهد بود؟  
 جواب: در تسمیه این روایت هیچ شکی نیست. چون با توجه به مکانث محمد بن مسلم و زراره و ابابصیر هیچ گاهی روایت از غیر معصوم نقل نمی کنند و مخصوصا در اصطلاح روایی اchiedma احد الصادقین است. بررسی قید مشقت و سیلان در عفو دماء قروح و جروح اما مطلب دوم که آیا این حکم شرط و قیدی دارد یا ندارد؟

نظر سید حکیم (ره)  
 سید الحکیم [5] قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: مشهور این است که این عفو مقید به دو قید است: مشقت و سیلان. اگر مشقت یا سیلانی نباشد، معفو عنه نیست. یک قید برمی گردد به موضوع و قید دیگر برمی گردد به مکلف.

نظر محقق حلی در معتبر و شرایع بر شرطیت مشقت و سیلان  
 محقق حلی قدس الله نفسه الزکیه در کتاب معتبر [6] و در کتاب شرائع [7] می فرماید: مشقت و سیلان دم در عفو شرط است. پس از که در معتبر و شرائع دیده شد، مشهور می شود که قول مشهور در متن شرائع است.

نظر شهید ثانی در مسالک، سیلان را شرط نمی داند  
 اما شهید ثانی [8] قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این متن قابل التزام نیست. برای این که نصوص بر خلاف آن است و نصوص اطلاق دارد که مشقت باشد یا نباشد و سیلان باشد یا نباشد. تا وقتی که خوب نشده و لو یک مقدار صبح خون ریزی داشته و یک مقدار هم عصر ولی خوب نشده و سیلان ندارد، خون آن معفو است.

نظر صاحب جواهر- مشقت دلیل ندارد  
 و همین طور صاحب جواهر [9] می فرماید: اشتراط مشقت دلیل ندارد و بعضی از روایات مثل مضمهره سماعه که اگر گفته باشد سیلان یا مشقت شرط است، در برابر این نصوص قابل مقاومت نیست.

بیان رأی مشهور و نصوص دال بر آن  
 بعد از که این آراء را گفتیم، برای رأی مشهور نصوصی داریم برای دو شرط مشقت و سیلان.

برای اثبات مشقت مضمرة سماعه: و عنه شیخ کلینی عن احمد عن عثمان، احمد که احمد بن محمد بن عیسی است عن عثمان بن عیسی که از اجلاء و ثقات است، «قال سالتہ عن الرجل به الجرح و القرع فلا يستطيع ان يربطه و لا يغسل دمه قال يصلى و لا يغسل ثوبه كل يوم الا مره فانه لا يستطيع ان يغسل ثوبه كل ساعه» [10]، در این حدیث آمده است که توان بستن را ندارد یعنی دم سیلان دارد و مشقت دارد.

بیان مشقت در مضمرة سماعه

جمله ای که در این نص آمده است و دلالت بر مشقت دارد «لا يستطيع ان يغسل ثوبه»، توان آن را ندارد و مشقت دارد. دلالت دارد بر این که مشقت شرط است در عفو. بنابراین سند درست است و در بیان خود امام علیه السلام آمده است که او توانش را ندارد یعنی بر او عسر و حرج است.

سوال: استطاعت فقط به بند آمدن مکرر است یا قطعه قطعه است یعنی به اندازه یک نماز وقت دارید که نماز بخوانید و برای نماز بعدی باید تطهیر کنید.  
جواب: کل ساعه، منظور از «کل ساعه» یعنی برای هر نماز، نه کل ساعه که وجوب تغسیل برای غیر صلاه که نیست که برای همیشه باشد. منظور از «یغسل کل ساعه» یعنی فی کل ساعه در ساعات نماز. در هر نماز که نمی تواند تطهیر کند، می شود مشقت.

- 
- [1] جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، جلد 6، صفحه 100.
- [2] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، جلد 2، باب 22 از ابواب نجاسات، حدیث 1، ط اسلامیة.
- [3] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، جلد 2، باب 22 از ابواب نجاسات، حدیث 4، ط اسلامیة.
- [4] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، جلد 2، باب 22 از ابواب نجاسات، حدیث 5، ط اسلامیة.
- [5] مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، جلد 1، صفحه 556.
- [6] المعتمر، محقق حلی، جلد 1، صفحه 429.
- [7] شرائع الاسلام، محقق حلی، جلد 1، صفحه 43.
- [8] مسالک الافهام، شهید ثانی، جلد 1، صفحه 124.
- [9] جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، جلد 6، صفحه 104.
- [10] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، جلد 2، باب 22 از ابواب نجاسات، حدیث 2، ط اسلامیة.